

## فصل اول - بخش دؤم

### نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»<sup>(۱)</sup>

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهار نظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

۱. مجموعه کامل نظریات مشورتی پیرامون «امر وکالت» را در جلد پنجم بخوانید.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رای طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاههای تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فصولی شناخته می‌شود.

(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیر وکیل دادگستری باشد.

## نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.  
 ۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

## نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

**نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴**

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

**نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴**

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد.

اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

**نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸**

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست.

بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

## نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از قانون وکلا می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعای مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خواننده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است<sup>(۱)</sup>  
**(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)**  
**تذکر:**  
 موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

۱. نحوه تنظیم انواع وکالتنامه رسمی را در جلد پنجم از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع آیین نگارش، تألیف نگارنده بخوانید.

## فصل اول - بخش سوم

### دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

نکته: نگرش ما نسبت به قانون نباید نگرش تبعیدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.

## دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم.

اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری<sup>(۱)</sup> و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نماییم.

چراکه مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک متمدنی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

### مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) از مجموعه ۵ جلدی راهنمای نگارش تألیف نگارنده بخوانید.

## ۱- دعوای مالی:

۱- دعوای مطالبه طلب (وجه نقد) ۲- مطالبه ثمن معامله ۳- مطالبه وجه التزام ۴- مطالبه وجه چک ۵- مطالبه وجه سفته ۶- مطالبه وجه برات ۷- مطالبه اجور معوقه ۸- مطالبه کلیه اشیایی که دارای بهای معینی است ۹- مطالبه خسارات ناشی از ضمان قهری ۱۰- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۱۱- مطالبه دیه به طرفیت وراث قاتل ۱۲- مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه ۱۳- مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب ۱۴- مطالبه نفقه معوقه ۱۵- مطالبه مهر ۱۶- مطالبه سهم الارث علیه احد از وراث یا شخص ثالثی که مال مشخصی از ترکه نزد اوست ۱۷- دعوای مربوط به حق تالیف، تصنیف، حق اختراع ۱۸- دعوای مربوط به علائم صنعتی و تجاری ۱۹- کلیه موارد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی مدنی، قرض، ثمن، مال الاجاره، دیه جنایات، نفقه یومیه، ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعوای که مقصود از آن مال است از قبیل بیع (اموال منقول، غیرمنقول)، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، جنایت خطائی و شبه عمد موجب دیه.

۲- خواسته مالی که تعیین (دقیق) آن هنگام تقدیم دادخواست ممکن نیست و می توان بنحو علی الحساب تقویم و جلب نظر کارشناسان رسمی را طلب نمود:

۱- مطالبه ارث ۲- مطالبه اجرت المثل ۳- مطالبه غرامات ناشی از مستحق لغیر درآمدن مبیع ۴- مطالبه خسارت ۵- مطالبه خسارت وجه التزام تا روز اجرای حکم و...

۳- خواسته مالی که ظهور در غیر مالی بودن دارد:

- ۱- الزام به تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / ...
- ۲- درخواست تعدیل و افزایش اجاره بها (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۹۸۴}{۱۳۶۱/۳/۲}$ )
- ۳- خلع ید (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۲۰۲۱}{۱۳۶۲/۵/۸}$ )
- ۴- دعوای اعتراض به تعیین حد و مرز (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۵۱۱۴}{۱۳۶۰/۱۱/۲۴}$ )
- ۵- دعوای اعتراض به ثبت ملک
- ۶- الزام به تنظیم سند خودرو
- ۷- دعوای افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت
- ۸- استرداد لاشه چک / سفته / برات



(نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۷۸۷۱}{۱۳۷۷/۶/۲۹}$  و رأی اصراری<sup>(۱)</sup>  $\frac{۳۵۴۷}{۱۳۴۱/۱۱/۳}$ )  
 ۹- دعوی تقسیم ترکه در صورت اختلاف در مالکیت مورث حین الفوت  
 (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۴۷۴۹}{۱۳۶۲/۱۰/۱۱}$ )

### مصادیق دعاوی غیر مالی:

۱- دعاوی غیر مالی راجع به خانواده:

- الف) صدور حکم طلاق
- ب) صدور گواهی عدم امکان سازش
- ج) تمکین
- د) اثبات زوجیت و انکار آن
- و) حضانت
- ی) درخواست ازدواج مجدد
- ن) الزام به تنظیم سند رسمی ازدواج در احد از دفاتر اسناد رسمی
- ه) الزام به ثبت طلاق
- م) الزام به ثبت واقعه رجوع از طلاق در ایام عدّه
- ک) درخواست ازدواج موضوع ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی

۲- دعاوی غیر مالی مربوط به روابط موجر و مستأجر

- الف) الزام به تنظیم سند رسمی اجاره
- ب) تجویز انتقال منافع مورد اجاره
- ج) دعوی مربوط به تخلیه / تجاری - مسکونی / کسب و پیشه
- د) الزام به تعمیرات اساسی عین مستأجره
- و) دعوی فسخ قرارداد اجاره
- ی) دعوی عسر و حرج نسبت به اجاره اماکن مسکونی
- ن) دعوی بطلان اجاره
- ه) دعوی الزام به انجام شروط مربوط به اوصاف مورد اجاره از قبیل وصل تلفن / آب برق / گاز و...

۱. رأی اصراری موضوع ماده ۴۰۸ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ - آنچنان رأیی است که قابلیت فرجام داشته باشد.

## ۳- دعاوی غیر مالی مربوط به امور حسبی

- الف) درخواست صدور حکم موت فرضی
- ب) درخواست صدور حکم مهر و موم ترکه
- ج) درخواست تحریر ترکه
- د) نصب قیم
- و) عزل قیم
- ی) نصب امین
- ن) ضم امین
- ه) درخواست صدور گواهی رشد
- ک) اخراج ثلث
- گ) الزام به تقسیم و فروش ترکه
- ق) عزل ولی قهری
- س) درخواست صدور حکم سرپرستی فرزند خوانده
- ش) گواهی انحصار ورثه
- م) تنفیذ وصیت نامه عادی

## ۴- دعاوی غیر مالی مربوط به ثبت احوال

- الف) تغییر نام کوچک
- ب) تغییر نام خانوادگی
- ج) ابطال شناسنامه
- د) اصلاح شناسنامه
- و) ابطال واقعه فوت
- ی) اصلاح تاریخ فوت در گواهی فوت
- ن) تغییر جنسیت
- ه) دعوی ابوت و بنوت
- ک) دعوی اثبات رشد و بلوغ
- گ) دعوی اثبات سیادت
- ق) دعوی اثبات نسب و نفی آن و...

## ۵- سایر دعاوی غیر مالی:

- ۱- دعوی تأمین دلیل
- ۲- تأمین خواسته
- ۳- دستور موقت
- ۴- دعوی اعسار مطلق و اعسار به تقسیط «محکوم به» / تعدیل و تقلیل اقساط «محکوم به»
- ۵- دعوی تشخیص صحت تاریخ معامله (۱)
- ۶- دعوی جعل و تزویر در اسناد
- ۷- دعوی تصرف عدوانی
- ۸- دعوی رفع مزاحمت ملکی
- ۹- دعوی ممانعت از حق
- ۱۰- دعوی مربوط به حقوق ارتفاقی
- ۱۱- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت عدم اختلاف در مالکیت
- ۱۲- تأیید قولنامه (رأی وحدت رویه  $\frac{۵۹/۶۹}{۱۳۷۰/۱/۱۰}$ )
- ۱۳- دعوی افراز چاه آب (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۴۲۰}{۱۳۶۱/۱/۲۴}$ )
- ۱۴- اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع (نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری  $\frac{۷/۸۱۶۱}{۱۳۷۳/۱۲/۱۶}$ )
- ۱۵- ابطال رأی مدیریت اراضی استان هیأت ۷ نفره واگذاری و احیاء مصوب ۱۳۶۵
- ۱۶- اعتراض به رأی کمیسیون مصوب ۱۳۶۰
- ۱۷- اعتراض به تصمیمات قابل اعتراض و اجرای ثبتی در مورد افراز
- ۱۸- بطلان تقسیم مال مشاع
- ۱۹- درخواست صلح و سازش
- ۲۰- درخواست استرداد اسناد و مدارک و اشیایی که بهاء معینی ندارد
- ۲۱- دعوی اعاده اعتبار ورشکسته (ماده ۵۶۱ قانون تجارت)
- ۲۲- دعوی تولیت
- ۲۳- دعوی صدور حکم ورشکستگی
- ۲۴- ابطال عملیات اجرائی
- ۲۵- ابطال پروانه چاه

دعوی تشخیص صحت تاریخ معامله زمین که قبل از تاریخ لغو مالکیت اراضی موات شهری باشد.

از دعاوی غیر مالی محسوب و رأی شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور که این دعوی را غیر مالی دانسته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

کلید احکام صادره در دعاوی غیر مالی قابل درخواست تجدیدنظر می باشد  
(ماده ۳۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی)

**ایضاحاً:** اگر خواسته دعوایی قابلیت تقویم به پول رایج مملکتی را داشته باشد و نتیجه با محکومیت خوانده، خواهان به مالی برسد که دارای ارزش مالی باشد آن **دعوی مالی** ولی در دعوی غیر مالی قابلیت تقویم به پول رایج مملکتی وجود نداشته و به هر صورت دعوی قابل تقویم به پول نمی باشد همانند نصب قیم - اصلاح شناسنامه که با صدور حکم مستقیماً هیچ مالی عاید محکوم له نخواهد شد و به تعبیر دیگر ملاک و معیار عمل در تشخیص مالی یا غیرمالی بودن دعاوی نتیجه حاصله از دعوی مطروحه خواهد بود.

**بطور مثال:** دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال، چون نتیجه آن تحقق مالکیت است این **دعوی مالی** محسوب می گردد، لکن دعوی الزام به استرداد لاشه سند مالکیت و یا ابطال لاشه سند مالکیت و ... **غیرمالی** است.

**بناءً علیهذا:** در دعاوی مالی که موضوع آن مال غیرمنقول است با توجه به بند (۱۲) از بُنود حصری ماده ۳ قانون وصول، هزینه دادرسی وفق دفترچه محاسباتی املاک محاسبه و پرداخت می شود و مبلغ مندرج در قرارداد ما بین متعاملین اثری در تعیین هزینه دادرسی نخواهد داشت.

**توجه می دهد:** اگر خواهان چند فقره دعوی مالی را بصورت «یکجا» تقویم نموده و در مرحله بدوی هیچ تعرضی به آن از طرف خوانده صورت نگرفته باشد، مبلغ تقویم شده ملاک عمل در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود. (ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م ۱۳۷۹) در مواقعی که دادگاه بدوی دعوی خواهان را **غیرمالی** تشخیص دهد ولی دادگاه تجدیدنظر استان دعوی مذکور را مالی تشخیص نماید و پرونده را بعلت عدم تأدیه کامل هزینه دادرسی به دادگاه نخستین اعاده می نماید و دفتر دادگاه بدوی مکلف است در اجرای ماده ۵۰۳ ق.آ.د.م.

۱۳۷۹، به تجدیدنظرخواه اخطار نماید که نسبت به رفع نقص (پرداخت هزینه دادرسی دعاوی مالی) اقدام نماید و در صورتی که تجدیدنظر خواه در مهلت مقرر نسبت به پرداخت هزینه دادرسی که میزان و مبلغ آن باید توسط مدیر دفتر دادگاه بدوی در برگ اخطاریه بوضوح معلوم باشد اقدام ننموده و در واقع نسبت به تکمیل و رفع نقص از دادخواست مرحله تجدیدنظر، اقدامی بعمل نیاورد به تجویز حاصل از تبصره (۲) از تبصره حصری ماده ۳۳۹ قانون سابق الذکر، و با رعایت مواد ۵۰۳ و ۳۵۶ و ۳۴۵ همان قانون، قرار رد دادخواست تجدیدنظر صادر می‌گردد.

توجه داشته باشید علی‌القاعده نقض حکم بدوی در مرحله تجدیدنظر بدلیل عدم پرداخت هزینه دادرسی مرحله بدوی فاقد وجاهت و موقعیت قانونی است.

جهت مزید استفاده اضافه می‌گردد:

دعوی مدنی غیرمالی عبارت است از دعوی که خواسته آن قابل ارزیابی به وجه رایج مملکتی نباشد همانند دعاوی تصرف عدوانی - رفع مزاحمت - رفع ممانعت از حق - تولیت - نسب - وصایت و .... فلذا هزینه دادرسی در دعاوی همانند خلع ید از اموال غیرمنقول همانند دعاوی مالی غیرمنقول بوده و اختلاف در مالکیت هیچ اثری در هزینه دادرسی ندارد<sup>(۱)</sup> چون رسیدگی به هر دعوائی ملازمه با پرداخت هزینه دادرسی دارد، لذا در صورتیکه خسارات ناشی از تأخیر در امر تأدیه توسط خواهان مطالبه و میزان آن معلوم باشد مطابق بند (۱۲) قسمت (الف) ماده (۳) قانون وصول ...

در حین تقدیم دادخواست علی‌الاصول هزینه دادرسی هم باید پرداخت گردد.

موفق باشید

## از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین

مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸

اجرا از اول سال ۱۳۷۴ در مورد هزینه‌های دادرسی

**ماده ۳-** قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضائی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید:

۱- در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس بجای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود.

۲- هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه منخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد.

۳- در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد.

۴- تقدیم دادخواست و درخواست تعقیب کیفری به مراجع قضائی علاوه بر حقوق مقرر مستلزم **الصاق و ابطال** تمبر به مبلغ یکهزار ریال می‌باشد.

۵- تقدیم شکایت به دادسرای انتظامی قضات مستلزم **الصاق و ابطال** تمبر به مبلغ یکهزار ریال خواهد بود.

۶- بهای اوراق دادخواست و اظهارنامه و برگ اجرائیه احکام دادگاه‌ها و هیأت‌های حل اختلاف موضوع قانون کار که طبق نمونه از طرف دادگستری تهیه می‌شود هر برگ ۱۰۰ ریال تعیین می‌گردد.

۷- درآمد صندوق «الف» اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال ۰/۹ درصد و نسبت به مازاد آن تا ۲۰ میلیون ریال ۰/۸ درصد و مازاد آن ۰/۷ درصد دریافت می‌شود.

۸- درآمد صندوق «ب» اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی تثبیت می‌گردد.

۹- هزینه گواهی امضاء مترجم توسط دادگستری برای هر مورد یکهزار ریال و هزینه پلمپ اوراق ترجمه شده توسط مترجم رسمی دادگستری و هزینه پلمپ گواهی صحت ترجمه یا مطابقت رونوشت و تصویر با اصل در هر مورد ۲ هزار ریال تعیین می‌گردد.

۱۰- هزینه پروانه اشتغال وابستگان دادگستری و تمدید آن در هر سال به شرح زیر تعیین و در موقع صدور یا تمدید پروانه تمبر الصاق و ابطال می‌گردد:

الف) پروانه وکالت درجه یک / یکصد هزار ریال

ب) پروانه مترجم رسمی، کارشناس رسمی، وکالت درجه ۲ کارگشائی مقیم مرکز استان در هر مورد / ۵۰ هزار ریال

ج) پروانه وکالت درجه ۳ / ۴۰ هزار ریال

ه) پروانه وکالت اتفاقی در هر مورد / ۱۰ هزار ریال

۱۱- تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری مستلزم الصاق و ابطال تمبر به مبلغ ۲ هزار ریال خواهد بود.

۱۲- هزینه دادرسی به شرح زیر تعیین که بر اساس آن تمبر الصاق و ابطال می‌گردد:

الف - مرحله بدوی:

دعاوی که خواسته آن تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال تقویم شده باشد معادل یک و نیم درصد ارزش خواسته و بیش از مبلغ ۱۰ میلیون ریال به نسبت مازاد بر آن دو درصد ارزش خواسته. ب- مرحله تجدیدنظر و اعتراض به حکمی که بدو یا غیاباً صادر شده باشد ۳ درصد به نسبت ارزش «محکوم‌به».

ج - مرحله تجدیدنظر در دیوان عالی کشور و موارد اعاده دادرسی و اعتراض ثالث بر حکم.

- احکامی که «محکوم‌به» آن تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال باشد ۳ درصد «محکوم‌به» و مازاد بر آن به نسبت اضافی ۴ درصد ارزش «محکوم‌به».

- در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول از نقطه نظر صلاحیت،

ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می‌نماید.

لکن از نظر هزینه دادرسی، باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه و براساس

آن هزینه دادرسی پرداخت شود.

۱۳- هزینه دادرسی در دعاوی غیر مالی و درخواست تأمین دلیل و تأمین خواسته در کلیه مراجع قضائی مبلغ ۵ هزار ریال تعیین می شود.

۱۴- در صورتی که قیمت خواسته در دعاوی مالی در موقع تقدیم دادخواست مشخص نباشد مبلغ ۲ هزار ریال تمبر الصاق و ابطال می شود و بقیه هزینه دادرسی بعد از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد و دادگاه مکلف است قیمت خواسته را قبل از صدور حکم مشخص نماید.

۱۵- هزینه اجرای موقت احکام در کلیه مراجع قضائی ۵۰۰ ریال تعیین می شود.

۱۶- هزینه درخواست تجدیدنظر از قرارهای قابل تجدیدنظر در دادگاه و دیوانعالی کشور یکهزار ریال تعیین می شود.

۱۷- هزینه تطبیق اوراق با اصل آنها در دفاتر دادگاهها و دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی و گواهی صادره از دفاتر کلیه مراجع مذکور در هر مورد ۲۰۰ ریال تعیین که به صورت تمبر الصاق و ابطال می شود.

۱۸- هزینه ابلاغ اظهارنامه و درخواست نامه در هر مورد یکهزار ریال تعیین می شود.

۱۹- هزینه شکایت کیفری علیه صادرکننده چک بلامحل تا مبلغ یک میلیون ریال یکهزار ریال و نسبت به مازاد آن تا ده میلیون ریال سه هزار ریال و مازاد بر ده میلیون ریال ده هزار ریال تعیین می شود.

۲۰- هزینه صدور گواهی عدم سوءپیشینه کیفری برای نسخه اول یکهزار ریال و برای نسخه‌های بعدی دویست ریال تعیین می شود.

۲۱- هزینه دادرسی در مرحله تجدیدنظر از احکام کیفری ۱۰ هزار ریال تعیین می شود.

۲۲- هزینه اجرای احکام تخلیه اعیان مستأجره سی درصد اجاره‌بهای یک ماهه و هزینه اجرای احکام دعاوی غیر مالی و احکامی که «محکوم‌به» آن تقویم نشده است از ۱۰ هزار ریال تا ۵۰ هزار ریال به تشخیص دادگاه می باشد.

هزینه اجرای آرا و تصمیمات مراجع غیر دادگستری در دادگستری به مأخذ فوق محاسبه و وصول خواهد شد.

۲۳- در مواردی که دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی و نهادهای انقلابی از معافیت قانونی پرداخت هزینه دادرسی استفاده کرده باشند چنانچه حکم به نفع آنها صادر شده باشد دادگاهها مکلفند هزینه دادرسی را طبق مقررات فوق از محکوم علیه در صورتی که



مقصر باشد وصول و به حساب درآمدهای دادگستری به خزانه واریز نمایند معادل پنجاه درصد وجوه واریزی موضوع این ماده به حساب درآمد عمومی کشور، از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور می شود در اختیار دادگستری قرار می گیرد تا منحصرأ به منظور تأمین کسری هزینه های جاری و احداث، خرید، تجهیز و تعمیر ساختمان های دادگستری در مرکز و شهرستان ها و ایجاد و توسعه تشکیلات قضائی براساس موافقت نامه هائی که با سازمان برنامه و بودجه مبادله خواهد نمود، هزینه نماید.

روزنامه رسمی شماره  $\frac{۱۴۵۹۷}{۱۳۷۴/۱/۲۹}$

نظریه مشورتی شماره ۷/۸۷۹۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۷

اولاً: آراء صادره از دادگاه های عمومی در خصوص شکایت شخص ثالث در پرونده های اجرایی موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، هر چند بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود و در مرحله بدوی، رعایت مقررات ماده ۵۱ و در مرحله تجدیدنظر رعایت ماده ۳۴۱ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ ضروری است و چون در مرحله بدوی بدون هزینه دادرسی، رسیدگی می شود در مرحله تجدیدنظر هم بدون هزینه دادرسی، رسیدگی خواهد شد.

ثانیاً: هرگاه در اثناء رسیدگی به اعتراض ثالث بعللی از مال توقیف شده توسط اجرای احکام رفع توقیف شود دادگاه باید با استفاده از ملاک تبصره ماده ۱۴۷ ق.ا.ا.م. ۱۳۵۶ - رسیدگی به شکایت شخص ثالث را موقوف نماید.

#### تذکار:

- ۱- وفق ماده ۳۳۱ - قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ - دعاوی مالی که خواسته یا ارزش یا همان بهای خواسته از ۳ میلیون ریال متجاوز باشد قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان خواهد بود.
- ۲- دعاوی مالی کمتر از ۵۰ میلیون ریال نیز در شوراهای حل اختلاف رسیدگی می گردد.

### ابطال تمبر (ابطال هزینه دادرسی) / معنی و مفهوم

«ابطال» به معنای باطل کردن و نقض و الغاء است.

در این معنا در ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی (مصوب سال ۱۳۵۶) آمده است: «هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد، اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغاء کنند...».

می‌دانیم که اقامه دعوی محتاج پرداخت هزینه دادرسی است. این هزینه حسب ماده ۵۰۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی عبارت است از:

هزینه برگهایی که به دادگاه تقدیم می‌شود و هزینه قرارها و احکام دادگاه. این هزینه، به موجب ماده ۵۰۳ همان قانون، می‌تواند به صورت واریز وجه به حساب خزانه باشد یا به صورت الصاق و ابطال تمبر. چون تمبر، که به شکل برگه‌هایی کوچک چاپ و عرضه می‌شود، مادام که بر آن مهر بطلان نخورد قابلیت استفاده مجدد را دارد، قانونگذار از الصاق و ابطال تمبر سخن گفته است.

اما استعمال واژه «ابطال» در مورد هزینه دادرسی کاملاً بی‌وجه است.

چه هزینه دادرسی قابل بطلان و بی‌اثر شدن نمی‌باشد بلکه پرداخت شدنی است و یکی از طرق تأدیه آن الصاق تمبر به برگه‌هایی است که به مراجع قضائی تقدیم می‌شود. پس، اینکه گاه بعضی از مدیران دفاتر با ارسال پرونده به دادگاه می‌نویسند: «پرونده از حیث ابطال هزینه دادرسی و دادخواست و ضمائم تکمیل است جهت ملاحظه و صدور دستور مقتضی ارسال می‌شود»، یا در بعضی از آراء محاکم، زمانی که هنگام تقدیم دادخواست تعیین بهای خواسته به نحو دقیق ممکن نبوده است، می‌آید: «دایره اجرا باید پیش از صدور اجرائیه به محکوم‌له تکلیف نماید تفاوت هزینه دادرسی را ابطال نماید»، نادرست است.

در این خصوص دادگاه باید از مکلف شدن محکوم‌له به پرداخت تفاوت هزینه دادرسی سخن گوید و این که، مختار به واریز هزینه به حساب خزانه و یا تأدیه آن به صورت الصاق و ابطال تمبر است.

## فصل اول - بخش چهارم

**نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی  
دعاوی مالی و غیر مالی  
«هزینه دادرسی»**

**نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی**  
**دعاوی مالی و غیر مالی**  
**«هزینه دادرسی»**

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹۳۶ تاریخ: ۱۳۸۲/۱۲/۵

متن نظریه: ملاک تشخیص مالی یا غیر مالی بودن دعوی نتیجه حاصله از دعوی مطروحه است مثلاً دعوی الزام به تنظیم سند رسمی چون نتیجه آن تحقق مالکیت است مالی محسوب می‌گردد.

اما استرداد لاشه چک یا سفته غیر مالی است بنابراین، در دعوی مالی که موضوع آن مال غیرمنقول است با توجه به بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸

هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه محاسبه و اخذ گردد و مبلغ مندرج در قرارداد اثری در تعیین هزینه دادرسی ندارد به عبارت دیگر، مبلغی که خواهان به عنوان بهای خواسته ذکر می‌کند هرچند که برابر ارزش واقعی باشد ملاک وصول هزینه دادرسی نیست، زیرا در این‌گونه دعاوی قانونگذار ارزش معاملاتی املاک را در هر منطقه ملاک وصول هزینه دادرسی قرار داده است نه چیز دیگر را.

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۹۳ تاریخ: ۱۳۸۳/۴/۲۱

متن نظریه: با توجه به اینکه فسخ معامله دارای ارزش مالی است، این دعوی در زمره دعاوی مالی تلقی می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۸۲۵ تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۴

متن نظریه: قبول تقیسط هزینه دادرسی یا «محکوم‌به» موکول به قبول اعسار از ناحیه دادگاه است چنانچه دادگاه اعسار متقاضی تقیسط هزینه دادرسی را بپذیرد به استناد قسمت اخیر ماده ۵۱۴ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ می‌تواند هزینه دادرسی را تقیسط نماید.

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۳۰ تاریخ: ۱۳۸۲/۷/۱۴

متن نظریه: در صورتی که مدعی اعسار از «محکوم‌به» مدعی اعسار از هزینه دادرسی هم باشد با توجه به ماده ۲۲ قانون اعسار، محکوم علیه موقتاً از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. و لذا چنانچه دادگاه در مرحله بدوی نسبت به دعوی اعسار از «محکوم‌به» رأی صادر نموده باشد و رأی صادره مورد تجدیدنظرخواهی قرار گیرد مقررات ماده ۳۵۰ قانون آ.د.م. نسبت به پرداخت هزینه دادرسی در مرحله بدوی مصداق پیدا نمی‌کند.

نکته: بنظر دعوی تعدیل و افزایش میزان اقساط «محکوم‌به» دعوی مالی می‌باشد. (ر.ک): جلد پنجم از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۲۵۶ تاریخ: ۱۳۸۲/۱۲/۱۶

متن نظریه: ضابطه تشخیص دعاوی مالی از غیر مالی نتیجه حاصل از دعوی است و چون نتیجه مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تحصیل مال است این دعوی مالی و طرح آن مستلزم پرداخت هزینه دادرسی جداگانه است.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۷۹۳ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۰

متن نظریه: شرکت دخانیات از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیست.

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۱۱۴ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۴

متن نظریه: اعتراض بر تحدید حدود دعوی مالی است.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۴ تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۲

متن نظریه: درخواست افزایش اجاره‌بها، از دعاوی مالی محسوب می‌شود.

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۳۰ تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۸

متن نظریه: هزینه دادرسی باید مطابق قانون زمان تقدیم دادخواست اخذ شود نه قانون زمان رفع نقص  
(مواد ۴۹-۵۳-۵۴-۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۱۹۷ تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۷

متن نظریه: استرداد اضافه پرداختی هزینه دادرسی بلاشکال است ولی استرداد هزینه دادرسی پس از تقدیم دادخواست مجاز نیست.  
(بند ب ذیل ماده ۳۰- قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶)

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۵۲ تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۱۳

متن نظریه: مدعی خصوصی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نمی‌باشد.

نکته: دعاوی تعدیل و تقلیل مدت زمان ملاقات با طفل مشترک و تعدیل و افزایش مدت زمان ملاقات با طفل مشترک هر دو در زمره دعاوی غیرمالی هستند.  
(ر.ک): جلد پنجم از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۹۰۰ تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۳

متن نظریه: دادخواست مجددی که به علت مفقود شدن پرونده داده می‌شود هزینه دادرسی لازم ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۴۸ تاریخ: ۱۳۶۰/۷/۱۳

متن نظریه: جهاد سازندگی از پرداخت هزینه دادرسی معاف نیست.